

عوامل ورود به آتش جهنم و عوامل نجات از آن دیدگاه نهج البلاغه

رقیه احمدی^۱

چکیده

نهج البلاغه، گنجینه‌ای از حکمت و اندیشه امام علی (ع) است که در آن به ابعاد مختلف زندگی انسان و راه‌های سعادت و شقاوت پرداخته شده است. یکی از موضوعات مهمی که در این کتاب ارزشمند به آن پرداخته شده، مسئله بهشت و جهنم و عوامل ورود به هر یک از آنها است. این پژوهش با هدف بررسی عوامل ورود به آتش جهنم و عوامل نجات از آن از دیدگاه نهج البلاغه به روش توصیفی-تحلیلی و با ابزار کتابخانه‌ای- اسنادی تدوین شده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که انتخاب‌های انسان، تعیین‌کننده سرنوشت او در دنیا و آخرت است. اعمال نیک و پرهیز از گناه، کلید دستیابی به سعادت ابدی و نجات از عذاب الهی است. در مقابل، گناهای همچون شرک، کفر، نفاق و ترک امر به معروف و نهی از منکر، انسان را به ورطه هلاکت می‌کشاند. این گناهان با فریبکاری شیطان و ضعف ایمان، انسان را از مسیر حق منحرف کرده و او را به سوی آتش دوزخ سوق می‌دهند. از سوی دیگر، ایمان به خدا، انجام فرایض دینی، تزکیه نفس و جهاد در راه خدا از جمله عوامل مهم در رسیدن به سعادت هستند. این اعمال صالح، با تقویت ارتباط انسان با خداوند، او را به سوی کمال و رستگاری هدایت می‌کنند. در نتیجه، این پژوهش نشان می‌دهد که سعادت و شقاوت انسان، نتیجه مستقیم انتخاب‌های اوست. با شناخت دقیق گناهان و اعمال صالح و تلاش برای انجام آنها، می‌توان به سعادت دنیا و آخرت دست یافت.

واژگان کلیدی: آتش، جهنم، نجات، آتش جهنم، نهج البلاغه .

^۱ طلبه سطح دو مدرسه‌ی علمیه‌ی حضرت نرجس سلام الله علیها ساری.

مقدمه

بی‌تردید، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های انسان از آغاز آفرینش، شناخت مسیر سعادت و سعادت‌یابی بوده است. در ادیان الهی، به ویژه اسلام، بهشت و جهنم به عنوان دو سرنوشت متفاوت برای انسان معرفی شده‌اند. آتش جهنم، مکانی توصیف شده است که عذاب الهی در آن بر گناهکاران نازل می‌شود. نهج‌البلاغه، مجموعه‌ای ارزشمند از کلمات، خطبه‌ها و نامه‌های حضرت علی (ع)، گنجینه‌ای بی‌نظیر از معارف اسلامی است. این کتاب آسمانی، علاوه بر جنبه‌های سیاسی و اجتماعی، به ابعاد اخلاقی و معنوی انسان نیز پرداخته است. در نهج‌البلاغه، حضرت علی (ع) با زبانی شیوا و رسا، به تبیین مفاهیم دینی و اخلاقی پرداخته و راه‌های سعادت و رستگاری را به انسان نشان داده است. اما، با وجود اهمیت موضوع جهنم و راه‌های نجات از آن، کمتر به بررسی جامع و تفصیلی این موضوع در نهج‌البلاغه پرداخته شده است. در این مقاله، تلاش می‌شود تا با مطالعه دقیق و همه‌جانبه نهج‌البلاغه، عوامل ورود به آتش جهنم و عوامل نجات از آن، از دیدگاه این کتاب ارزشمند، شناسایی و تحلیل شوند. پرسش اصلی این پژوهش این است که بر اساس آموزه‌های نهج‌البلاغه، چه عواملی باعث می‌شود انسان به آتش جهنم وارد شود و چه عواملی او را از این عذاب الهی نجات می‌دهد؟

شناخت عوامل ورود به جهنم و راه‌های نجات از آن، برای هر انسانی که به سعادت و رستگاری خود اهمیت می‌دهد، ضروری است. با شناخت این عوامل، می‌توانیم در زندگی خود تغییراتی ایجاد کنیم که به سعادت و رستگاری ما منجر شود. همچنین، این پژوهش می‌تواند به فهم عمیق‌تر از آموزه‌های نهج‌البلاغه و جایگاه آن در زندگی فردی و اجتماعی کمک کند.

تاکنون پژوهش‌های متعددی در زمینه نهج‌البلاغه انجام شده است. اما کمتر پژوهشی به طور اختصاصی به بررسی عوامل ورود به جهنم و نجات از آن در این کتاب پرداخته است. با این وجود می‌توان به مطالعات زیر اشاره کرد:

- کتاب «سرنوشت انسان» به نویسندگی مسعود عالی (۱۳۹۱)؛ در این کتاب به بهشت، جهنم، قیامت، شفاعت، برزخ و ... اشاره شده است.
- کتاب «سرنوشت جهنم یا بهشت؟» به نویسندگی سیدمحمد ضیاءآبادی (۱۳۹۴)؛ در این کتاب بیشتر در مورد مرگ و عالم برزخ بحث شده است.
- کتاب «تصویری از بهشت و جهنم» به نویسندگی احمد حبیبیان (۱۳۹۱)؛ در این کتاب با تکیه بر آیات و روایات تصویری از بهشت، جهنم، عالم برزخ، جدا شدن روح از بدن و ... کشیده شده است.

وجه تمایز مقاله‌ی حاضر با مطالعات پیشین در این است که این پژوهش به طور اخص به عوامل ورود به آتش جهنم و عوامل نجات از آن از دیدگاه نهج البلاغه پرداخته است.

۱. مفهوم شناسی جهنم

جهنم جایی است که برخی از لغت‌شناسان آن را واژه‌ای اعجمی دانسته و اصل آن را که نام گرفته‌اند که قرآن ۷۲ بار از آن سخن می‌گفته است و جایی است برای مجازات گنهکاران و ستمگران، کافران، معاندان، مشرکان و منافقان است. راغب در معنای این واژه می‌نویسد جهنم نامی برای آتش و اصل آن فارسی معرب شده که جهنم بوده است.^۱ در قاموس آن را به «خانه عذاب» معنا کرده است.^۲ اقرب موارد و لسان عرب به معنای گودال و چاه عمیق که به جهت همین گودی بسیار به آن جهنم گفته می‌شود.^۳ امام علی علیه‌السلام درباره دوزخ می‌فرماید: «بترسید از آتشی که گودی و گرمی آن بی‌اندازه عذاب و گرفتاری آن تازه است و سرایی که در آن رحمت و مهربانی نیست و هیچ درخواستی پذیرفته نمی‌شود.^۴ الفاظی مانند: «دارالخلد»؛^۵ «دارالبوار»؛^۶ از اسامی دیگر جهنم است که در قرآن به آن‌ها اشاره گردیده‌است.

در ادامه با تکیه بر آموزه‌های ارزشمند نهج البلاغه، به واکاوی عوامل ورود به آتش جهنم پرداخته خواهد شد.

۲. عوامل ورود به آتش جهنم از دیدگاه نهج البلاغه

از دیدگاه امام علی علیه‌السلام عوامل متعددی برای ورود به آتش جهنم وجود دارد از جمله کفر، شرک، دروغ بستن بر پیامبر، سرپیچی از فرمان رهبری، انکار امامت و ولایت اهل بیت، ترک نماز، فعل حرام و بسیاری از گناهان دیگر. این گناهان انسان را از مسیر حق منحرف کرده و به ورطه هلاکت می‌کشاند. در ادامه به برخی از عوامل پرداخته خواهد شد.

^۱ راغب اصفهانی، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ القرآن، ص ۲۰۹.

^۲ قرشی، قاموس قرآن، ج ۲، ص ۸۴؛ شرتونی، اقرب الموارد فی فصیح العربیه و الشوارد، ج ۱، ص ۱۴۷.

^۳ محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۱۲، ص ۱۱۲.

^۴ نهج البلاغه: نامه ۲۷.

^۵ ابراهیم: ۲۸

^۶ فصلت: ۲۸

۲-۱. شرک

شرک در لغت به معنای مشارکت است،^۱ و در اصطلاح به معنای شریک قائل شدن برای خداوند در امور مختص به او مانند وجوب وجود، الوهیت، پرستش و تدبیرشان آفریدگان است.^۲ اولین گناه کبیره که خداوند نسبت به آن وعده‌ی عذاب در آخرت داده است، شرک به خدای تعالی است و به کبیره بودن آن، حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) و امام علی (علیه السلام) و امام صادق و کاظم و امام رضا و امام جواد (علیهم السلام) تصریح فرموده‌اند که: «از هر گناه کبیره بزرگتر شرک به خداست».^۳

این رذیلت اخلاقی، در شمار بدترین صفات و یا می‌توان گفت که بدترین آن‌ها است: شرک را از کفر نیز بدتر دانسته‌اند؛ چرا که کافر تنها بر خویشتن ظلم می‌کند، مشرک اما چون حضرت حق را چون دیگر اشیاء می‌بیند، و در کنار او سنگی، درختی، آدمی ضعیف و یا شیئی دیگر را به ربوبیت بر می‌گزیند، بر خویشتن و بر خالق خویش هر دو ظلم کرده است از این روست که شرک در قرآن کریم ظلم بزرگ خوانده شده است:

«وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ»^۴ و لقمان به پسرش گفت و او را پند می‌داد که: ای پسرک من به خدا شرک میاور، زیرا شرک ستمی است بزرگ».

علامه طباطبایی در تفسیر آیه فوق شرک به خداوند را هم ردیف هیچ گناهی نمی‌داند و معتقد است چون گناه شرک عظیم است خداوند آن را با هیچ گناهی مقایسه نکرده است و می‌فرماید: عظمت هر عملی به عظمت اثر آن است، و عظمت معصیت به عظمت کسی است که نافرمانی‌اش می‌شود، چون که مواخذه عظیم نیز عظیم است، بنابراین بزرگترین گناهان و نافرمانی‌ها، نافرمانی خدا است، چون عظمت کبریایی همه از او است و فوق هر عظمت و کبریایی است. چون خدایی است بی‌شریک، و بزرگترین نافرمانی‌های او این است که برایش شریک قائل شوی. «ان الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ» در این جمله عظمت

^۱ راغب اصفهانی، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ القرآن، ص ۲۶۶.

^۲ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱، ص ۲۲۷.

^۳ کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۲۷۸.

^۴ لقمان: ۱۳.

شرک را مقید به قیدی یا مقایسه با سایر گناهان نکرد، تا بفهماند که عظمت ظلم شرک آن قدر است که با هیچ گناه دیگری قابل مقایسه نیست.^۱

این ردیلت اخلاقی، به گونه‌ای درشت و بنیان سوز است، که استعداد بخشوده شدن را در وجود آدمی سوزانده سراسر از بین می‌برد: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ لِمَن يَشْرِكْ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَن يَشَاءُ»^۲؛ هر آینه خدا گناه کسانی را که به او شرک آورند نمی‌آمرزد.

خداوند مطابق با آیه «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا...»؛ همانا کسانی از اهل کتاب و مشرکان که کافر شدند، در آتش دوزخند، در آن جاودانه اند.^۳ کسانی که مشرک و کافر هستند، بی‌شک بدترین خلق خداوند می‌باشند، که به طور دائم در جهنم خواهند بود.^۴

امام علی علیه‌السلام نیز مشرکان را محق آتش جهنم و کیفر دانسته است و فرموده:

«إِنَّ مِنْ عَزَائِمِ اللَّهِ فِي الذِّكْرِ الْحَكِيمِ الَّتِي عَلَيْهَا يُثِيبُ وَيُعَاقِبُ وَلَهَا يَرْضَى وَيَسْخَطُ، أَنَّهُ لَا يَنْفَعُ عَبْدًا وَإِنْ أَجْهَدَ نَفْسَهُ وَأَخْلَصَ فِعْلَهُ أَنْ يَخْرُجَ مِنَ الدُّنْيَا لَأَقْبَىٰ رَبُّهُ بِخَصْلَةٍ مِنْ هَذِهِ الْخِصَالِ لَمْ يُتَبَّ مِنْهَا: أَنْ يُشْرِكَ بِاللَّهِ فِيمَا افْتَرَضَ عَلَيْهِ مِنْ عِبَادَتِهِ...»^۵ از جمله احکام حتمی خداوند در کتاب حکیم که بر آن جزا می‌دهد و عذاب می‌نماید، و به خاطر آن خشنود می‌شود و خشمگین می‌گردد از دنیا رفتن بنده است بدون دریافت بهره آخرتی هر چند خود را در عمل به زحمت انداخته، و کارش را خالص نموده، در حالی که که خداوند را به خصلتی از این خصال ملاقات کند و توبه ننموده باشد: در عبادتی که خداوند بر او واجب نموده شریک برای خدا قرار دهد...».

^۱ طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۳۳۲.

^۲ نساء: ۴۸.

^۳ بینه: ۶.

^۴ طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۲۰، ص ۵۷۶.

^۵ نهج البلاغه: خطبه ۱۵۳.

غافل کرده و او را به سمت تباهی و نابودی سوق می‌دهد. کسی که به دنبال زرق و برق دنیاست، نه تنها به سعادت دنیا نمی‌رسد بلکه از سعادت آخرت نیز محروم خواهد شد.^۱ تزکیه در واقع پاک شدن فکر آدمی از عقاید فاسد و بیهوده، پاک شدن نفس آدمی از رزایل اخلاقی، پاک شدن اعضاء و جوارح از رفتار و کردار فاسد و فحشا است. زکات نیز پاک کردن روح از حرص، بخل و مال از حقوق محرومان است.^۲ بنابراین با توجه به کلام امام علی علیه‌السلام نیاز است که انسان نقاط ضعف و قوت خود را شناخته و تنها برای اصلاح و رشد آن‌ها تلاش کند تا از آتش جهنم نجات یابد.

۳-۵. جهاد

جهاد موجب نجات فرد از آتش جهنم و سعادت او خواهد شد. جهاد در راه خدا، با مال یا با جان، یا در پایداری در مقابله با دشمن باشد سبب عاقبت بخیری انسان خواهد شد. همانگونه که خداوند در قرآن یادآور شده: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ؛ ای اهل ایمان، از خدا بترسید و به سوی او وسیله جویید و در راه او جهاد کنید، باشد که رستگار شوید».^۳ در این آیه در راه خدا جهاد کردن را به مومنان یادآور شده است که عاقبت بخیری را در این مسیر باید بیابند.

در آیه ای دیگر خداوند فرموده است: «لَكِنَّ الرُّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ جَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَأُولَئِكَ لَهُمُ الْخَيْرَاتُ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ؛ اما رسول و مؤمنان اصحابش به مال و جانشان در راه خدا جهاد کردند و آنهاست که همه خیرات و نیکوییها (ی دو عالم) مخصوص آنهاست و هم آنان سعادت‌مندان عالمند».^۴ در این آیه خداوند جهاد را علاوه بر راه خدا، با مال و جان آدمی دانسته است که همه‌ی خیرات دو عالم را نصیب خواهند شد.

^۱ مکارم شیرازی، پیام امام امیرالمومنین علیه السلام، ج ۶، صص ۱۶۱-۱۶۹.

^۲ فیض الهی، سیمای انسان در قرآن بر اساس تفسیر نور، صص ۷۸-۷۷.

^۳ مائده: ۳۵.

^۴ توبه: ۸۸.

در آیه‌ای دیگر خداوند پایداری در مقابل دشمن را جهاد دانسته و فرموده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ؛ ای اهل ایمان! هنگامی که [در میدان نبرد] با گروهی [از مشرکان و کافران] برخورد کردید، ایستادگی نمایید و خدا را بسیار یاد کنید تا رستگار شوید».^۱

امام علی علیه‌السلام نیز در نهج البلاغه فرمودند: «انَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ ، فَتَحَهُ اللَّهُ لِخَاصَّةٍ أَوْلِيَاءِهِ ، وَهُوَ لِبَاسُ التَّقْوَى ، وَدِرْعُ اللَّهِ الْحَصِينَةُ ، وَجُنَّتُهُ الْوَيْقَةُ؛ به راستی جهاد دری از درهای بهشت است، که خداوند به روی دوستان مخصوص خود گشوده است، و جهاد، لباس تقوا، زره محکم و سپر مطمئن خداست».^۲

در جایی دیگر نیز فرمودند: «کسی که در راه خدا جهاد کند و شهید شود، اجرش بزرگ تر از کسی نیست که بتواند گناه کند و عفت ورزد، انسان پاکدامن نزدیک است که فرشته ای از فرشتگان خدا شود».^۳

جهاد، تنها راه رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی نیست، بلکه پاداش‌های بسیار بزرگی نیز در پی دارد. خداوند در قرآن کریم به صراحت وعده داده است که مجاهدان در راه او، از اجر عظیم و جایگاه والایی در بهشت برخوردار خواهند شد. جهاد، سرمایه‌ای است که انسان را در دنیا و آخرت بی‌نیاز می‌کند.

^۱ انفال: ۴۵.

^۲ نهج البلاغه: خطبه ۲۷.

^۳ نهج البلاغه: حکمت ۴۷۴.

نتیجه گیری

سعادت و شقاوت انسان در گرو انتخاب‌های اوست. اعمال نیک و پرهیز از گناه، کلید نجات از آتش جهنم و دستیابی به سعادت ابدی است. شناخت دقیق گناهان و اعمال صالح، همراه با تلاش برای انجام آن‌ها و ترک گناهان، انسان را به سمت کمال و سعادت هدایت می‌کند. با توجه به آموزه‌های دینی، به ویژه نهج البلاغه، می‌توان گفت که انسان با انجام اعمال صالح می‌تواند به سعادت ابدی دست یابد و از عذاب الهی در امان بماند. این مقاله، به بررسی عوامل ورود به آتش جهنم و عوامل نجات از آن از دیدگاه نهج البلاغه پرداخته شد. با توجه به مطالعات پیشین و منابع در دسترس نتایج زیر حاصل شده است.

به طور کلی، گناهان و اعمال زشت، پلکانی به سوی جهنم هستند و انسان را از رحمت الهی دور می‌کنند. بنابراین، برای رسیدن به سعادت و نجات از عذاب الهی، باید از این گناهان دوری کرد و به سوی خداوند بازگشت. شرک، کفر، نفاق و ترک امر به معروف و نهی از منکر از جمله گناهان بزرگ و عوامل اصلی ورود به آتش جهنم هستند که در نهج البلاغه به شدت از آن‌ها برحذر داشته شده است. این گناهان با فریبکاری شیطان و ضعف ایمان انسان، او را از مسیر حق منحرف کرده و به ورطه هلاکت می‌کشانند. اعمال صالح و نیک، کلید نجات از آتش جهنم و دستیابی به سعادت ابدی هستند. با انجام این اعمال، انسان می‌تواند به مقام والای بندگی خدا دست یابد و از نعمت‌های بی‌کران او بهره‌مند شود. ایمان، نماز، تزکیه نفس و جهاد از جمله عواملی هستند که انسان را به سمت کمال و سعادت هدایت می‌کنند و از آتش جهنم نجات می‌دهند. این اعمال صالح، پلکانی به سوی بهشت هستند و انسان را به خداوند نزدیک‌تر می‌سازند.

منابع

❖ قرآن کریم

❖ نهج البلاغه؛ مترجم محمد دشتی، چاپ پانزدهم، قم: مشهور، ۱۳۸۰ش.

کتاب

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، **لسان العرب**، محقق میردامادی و جمال‌الدین، بیروت: دارالصادر، ۱۴۱۴ق.
۲. ارفع، سید کاظم، **حدیث بندگی**، تهران: فیض کاشانی، ۱۳۸۸ش.
۳. بحرانی، ابن میثم، **شرح نهج البلاغه ابن میثم**، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۷۵ش.
۴. راغب اصفهانی، محمد حسین، **ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ القرآن**، ترجمه و تحقیق غلامرضا خسروی حسینی، تهران: المکتبه المرتضویه لاحیاء آثار الجعفریه، ۱۳۸۳ش.
۵. شرتونی، سعید، **اقرب الموارد فی فصیح العربیه و الشوارد**، چاپ اول، تهران: اداره کل حج و اوقاف و امور خیریه، ۱۳۷۷ش.
۶. طباطبایی، محمد حسین، **ترجمه تفسیر المیزان**، ترجمه: ناصر مکارم شیرازی و همکاران، تهران: رجا، ۱۳۶۷ش.
۷. فرازمند، جواهر السلطان، **چهره منافقان در قرآن**، قم: نشر نسل جوان، چاپ دوم، ۱۳۸۷ش.
۸. فیض الهی، روح الله، **سیمای انسان در قرآن بر اساس تفسیر نور**، تهران: موسسه فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۹۲ش.
۹. قرائتی، محسن، **تفسیر نور**، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ یازدهم، ۱۳۸۳ش.
۱۰. قرشی، علی اکبر، **قاموس قرآن**، قم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸ش.
۱۱. کاکایی، هادی، **سیمای صالحان در قرآن**، قم: دفتر عقل، ۱۳۸۸ش.
۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب، **اصول کافی**، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۱۳. محدثی، جواد، **برکرانه شرح چهل حدیث امام خمینی**، چاپ چهارم، قم: نشر هاجر، ۱۳۹۳ش.
۱۴. محمدی ری شهری، محمد، **میزان الحکمه**، ترجمه: حمیدرضا شیخی، قم: موسسه فرهنگی دار الحدیث، چاپ اول، ۱۳۷۸ش.

۱۵. مکارم شیرازی، ناصر، پیام امام امیرالمومنین علیه السلام، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)، ۱۳۹۰ ش.

۱۶. مکارم شیرازی و دیگران، ناصر، تفسیر نمونه، چاپ سی و ششم، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۸ ش.

سایت

۱. خامنه ای، سیدعلی، بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۷۱/۱۱/۰۱.